

تکنیک شروع بحث و جذب توجه ها در حلقه / مثال



گفتم : بچه ها من با خودم یه جایزه آوردم برا اونى که حدس بزنه
توى مشتم چى دارم.
مشت بسته ام را بالا آوردم
گفتم هرکى اول حدس بزنه جایزه مال اونه !
شروع کنید ، بسم الله!
یه ولوله اى شد که نگو و نپرس...!
همه بلند بلند حدس شون را مى گفتند و من ام با خونسردى کامل فقط
مى گفتم :
نه نه نخه نخه نخه نخه نخه...!
بنده خدا بچه ها فکر مى کردن دارم مى گم : نخیر نخیر نخیر
يکى دو دقیقه که حسابى سر کار بودند دستم را باز کردم و موضوع
مشخص شد !!!
(نخ) یک قرقره نخ بود !
گفتم : شما تا کی همه اش اینجورى مى خواين يه دنده و لجباز باشين
و فقط و فقط حرف خودتون را بزنين
نزدیک 20 بار شد که دارم مى گم نخه بازم که دارين حرف خودتون رو
مى زنين
بچه ها وقتى نخ رو دیدن هممه شروع شد : با با آره بیچاره حاج آقا
که همه ش مى گفت نخه
..
کلاسمون شروع شد:
بچه آيا نخ توى قرآن آمده يا نه؟

نخ یا ریسمان

آفرین (حبل) آیه اش چیه؟

وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرُّوا قُلُوبًا

عمران:102

تسبیح رو از جیم بیرون آورم

گفتم بچه ها مگه نخ چقدر ممکنه مهم باشه ...

مثلا نخ همین تسبیح (و تسبیح را پاره کردم) ... و بعد همه بفکر

رفتن!!!

در ادامه در مورد آیه بیشتر صحبت کردیم...